



ارائه مدل توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران

محمد مهدی سلطانی^۱

حسین علی محمدی^۲

حمید فروغی پور^۳



10.22034/SSYS.2022.496

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۴/۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۷/۲۴

تحقیق حاضر با هدف ارائه مدل توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران طراحی گردید. پژوهش حاضر از نوع آمیخته بود که به صورت کیفی و کمی اجرا گردید. جامعه آماری بخش کیفی را نخبگان حوزه مدیریت ورزشی کشور و حوزه مالکیت فکری تشکیل می دادند که با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی، ۱۲ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. جامعه آماری در بخش کمی شامل پژوهشگران و مخترعان حوزه ورزش بودند (حدود ۲۱۰ نفر) که با استفاده از روش نمونه گیری دردسترس و با توجه به جدول مورگان تعداد ۱۳۲ نفر به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. ابزار تحقیق حاضر شامل پرسشنامه و مصاحبه های نیمه ساختارمند بود. جهت بررسی داده های بخش کیفی از کدگذاری مطابق با مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین استفاده

۱- دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

۲- استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد و گروه تربیت بدنی، دانشگاه قم، قم،

ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: H_alimohamady@yahoo.com

۳- استادیار، گروه تربیت بدنی، واحد بروجرد، دانشگاه آزاد اسلامی، بروجرد، ایران

گردید و در بخش کمی از روش معادلات ساختاری بهره گیری شد. کلیه روند تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق حاضر در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۰ و Smart PLS نسخه ۲ انجام گردید. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش برخی موجبات علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، پیامدها و راهبردها وجود دارد و در مجموع، مدل تحقیق از برازش مناسبی برخوردار است. همچنین یافته‌ها نشان داد جهت توسعه حاکمیت فکری نیاز است تا ضمن توجه به قوانین، شرایط ساختاری، فرهنگی و اجتماعی، برخی مسائل مربوط به دولت، رسانه و افراد سودجو مدیریت گردد. بهبود مسئولیت اجتماعی، عدالت محوری و کنترل سرقت‌ها نیز نقش مهمی در جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی: حاکمیت فکری، ورزش، اختراع و دارایی.

مقدمه

امروزه دارایی های افراد از برخی مسائل مادی به مسائل ذهنی نیز تغییر جهت یافته است (کلامادی^۱، ۲۰۱۲: ۴۳۸). شکل گیری ایده ها و خلاقیت ها و همچنین ایجاد ظرفیت ها و سودهای فراوان به واسطه ایده ها و خلاقیت های افراد سبب گردیده است تا تلاش جهت محافظت از وضعیت ایده و خلاقیت افراد بهبود یابد. این مسئله سبب شکل گیری حاکمیت فکری در عرصه بین المللی شده است (پار^۲، ۲۰۱۸: ۱۲۷). بدون شک، فکر و ذهن افراد یکی از بزرگترین ظرفیت های انسانی می باشد که توجه به آن به عنوان یک ضرورت مشخص می باشد. حاکمیت فکری به مفهوم ایجاد چارچوبی مشخص جهت مراقبت از ایده ها و تفکرات خلاقانه و نوآورانه افراد در حوزه های مختلف می باشد. به عبارت دیگر، حاکمیت فکری سبب ایجاد یکپارچگی مدون در روند تولید ایده ها، خلاقیت ها و نوآوری ها می گردد و به واسطه ایجاد بستر و چارچوبی مدون و منظم سبب مدیریت افکار و ایده های خلاقانه می شود. اهمیت حاکمیت فکری در سطح بین المللی چندان بوده است که امروزه سازمان جهانی مالکیت فکری در جهت پاسخگویی به نیازهای مختلف افراد و گروه ها در حوزه حاکمیت فکری ایجاد گردیده است (ایندرادوی^۳، ۲۰۲۰: ۱۵).

اهمیت روزافزون حاکمیت فکری به عنوان عاملی در تولید سبب گردیده است تا مشکلات عمده ای در جهت بهبود حاکمیت فکری ایجاد گردد (گریفیس^۴ و همکاران، ۲۰۱۴: ۱۳). عدم رویه های مشخص در جهت هدایت و به نتیجه رساندن خلاقیت ها و نوآوری های ذهنی سبب گردیده است تا امروزه تلاش جهت ایجاد اختلال در زمینه حاکمیت فکری جدی تر از پیش از سوی افراد، گروه ها و حتی سازمان ها انجام گردد. افزایش ضرورت حاکمیت فکری و گسترش آن در سطح جوامع سبب گردیده است تا تحقیقاتی جهت بهبود شواهد علمی در مورد حاکمیت فکری به انجام رسد (لو^۵، ۲۰۱۶: ۲۲۹۹). تلاش جهت بهبود حاکمیت فکری از سوی محققان بسیاری دنبال شده است (هوانگ^۶، ۲۰۱۷: ۴۱). این مسئله سبب گردیده است تا تمامی حوزه های مختلف علوم از جمله ورزش به نوعی با قضیه حاکمیت فکری درگیر و مرتبط شوند.

حاکمیت فکری در ورزش نیز از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار می باشد. کوکونن^۷ (۱۹۹۸) یکی از اولین محققانی بود که به حاکمیت فکری در ورزش اشاره کرد. وی اذعان داشت که در ورزش به واسطه جابه جایی هزینه های مالی سنگین، مراقبت از جنبش های ورزشی و حرکات مرتبط با ورزش نیازمند مراقبت در قالب حاکمیت فکری است. حاکمیت فکری در تمامی عرصه های مختلف ورزشی از جمله رویدادهای ورزشی (امادی^۸، ۲۰۱۷: ۱۵۵)، پخش مسابقات ورزشی (لیو و هو^۹، ۲۰۰۶؛ کوکونن، ۱۹۹۸: ۲۲)، شهرت بازیکنان (حکمت نیا و خوشنویس،

-
1. Kalamadi
 2. Parr
 3. Indradewi
 4. Griffs
 5. Lo
 6. Huang
 7. Kukkonen
 8. Amadi
 9. Liu & Hu

۲۰۰۹: ۱۳۰)، تبلیغات و نوآوری ها در ورزش (هیلتون^۱، ۲۰۱۱: ۵۰) نمود می نماید. اهمیت حاکمیت فکری در ورزش سبب گردیده است تا تلاش هایی در جوامع بین المللی جهت ارتقای چارچوب ها و قوانین و همچنین بهبود آگاهی در این حوزه صورت گیرد. این مسئله در کشور ایران نیز به صورت جسته و گریخته مورد توجه قرار گرفته، اما به صورت جامع و تخصصی به توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران اشاره ای نشده است. عدم آگاهی در مورد مفهوم حاکمیت فکری در ایران سبب گردیده است تا امروزه مشکلاتی در ورزش کشور ایجاد گردد.

ایده ها و خلاقیت ها در هر صنعتی نیازمند بهبود نظام حاکمیت معنوی است. شعوری و نجفی (۱۳۹۶) اعلام داشتند که یکی از خلاهای موجود در کشور ایران، بهبود کارایی نظام حاکمیت معنوی و دانش ثبت شده می باشد. عباس زاده و همکاران (۱۳۹۴) نیز بیان نمودند که ایران جهت توسعه اقتصاد مقاومتی در کشور نیازمند حاکمیت فکری است. همچنین سوءاستفاده از فقدان حاکمیت فکری در کشور ایران در حال گسترش می باشد که این مسئله سبب بروز مشکلاتی برای افراد شده است. فقدان آگاهی ها در زمینه حاکمیت فکری در کشور ایران به خصوص در ابعاد ورزش سبب بروز بی نظمی هایی نیز در مسیر توسعه ورزش در کشور شده است (حکمت نیا و خوش نویس، ۲۰۰۹: ۱۳۲). امادی (۲۰۱۸) اعلام داشت که برخی حوزه ها در ورزش کشور نیچریه از جمله قوانین کپی رایت، بازاریابی و پخش رویدادهای ورزشی نیازمند برخورداری از حاکمیت فکری مناسب است و لزوم توسعه آن در ورزش کشور نیچریه را نشان می دهد. خلاهای مربوط به نظام حاکمیت فکری یکی از مشکلات موجود در حیطه ورزش می باشد (هیلتون، ۲۰۱۱: ۵۱).

گریفیس و همکاران (۲۰۱۴) بیان نمودند که ایجاد حاکمیت فکری سبب می گردد تا ترجیح رفتار مالیاتی به درآمد ناشی از ثبت اختراعات نیز تحت تاثیر قرار گیرد. ویوچرا^۲ و همکاران (۲۰۲۰) ادعان داشتند که جهت حمایت از اختراعات و فرایند تجاری رسانی آن لازم است تا حاکمیت فکری ایجاد گردد. کیف^۳ و همکاران (۲۰۰۸) نیز معتقد بودند که در حوزه ورزش و ابعاد مختلف آن حاکمیت فکری باید اجرایی گردد و حمایت های قانونی جهت بهبود حاکمیت فکری در ورزش لازم است. کلامادی (۲۰۱۲) اشاره داشت که محیط متنوع ورزشی و وجود برندهای تجاری، باشگاه ها، افراد، کالاهای تجاری و مجوزهای مختلف سبب گردیده است تا اهمیت پوشش حاکمیت فکری در ورزش بیش از پیش درک گردد. داس^۴ (۲۰۰۰) نیز اشاره داشت که حاکمیت فکری در ورزش می تواند تضمینی جهت توسعه فعالیت های مربوط به ورزش باشد. وانگ و هوانگ^۵ (۲۰۱۱) نیز مشخص نمودند که جهت توسعه حاکمیت فکری باید نظارت ها و غربالگری هایی در میان مدیران به صورت منظم اجرایی گردد. لیو^۶ و همکاران (۲۰۰۹) نیز بر این باور بودند که کیفیت اختراعات ثبت شده نقش مهمی در بهبود وضعیت حاکمیت فکری دارد.

-
1. Hylton
 2. Wiwchar
 3. Kieff
 4. Das
 5. Wang & Hwang
 6. Lu

حبیب^۱ و همکاران (۲۰۱۹) نیز بیان نمودند که سرمایه انسانی می تواند به بهبود و گسترش حاکمیت فکری منجر گردد. بررسی پیشینه های تحقیق مشخص می نماید که اهمیت حاکمیت فکری در حوزه ورزش نیز مورد اشاره قرار گرفته - اگرچه تحقیقات جامعی در این زمینه انجام نشده و مدل های توسعه حاکمیت فکری در ورزش به ویژه در کشور ایران ارائه نگردیده است. از طرفی ابهامات اساسی در مورد حاکمیت فکری سبب شده تا نیاز به طراحی مدل توسعه حاکمیت فکری در ورزش کشور درک گردد.

باید توجه داشت که حاکمیت فکری یک پوشش حمایتی جهت حمایت از نوآوری، خلاقیت، کارآفرینی، ایده و فکر می باشد و منظور از ورزش در تحقیق حاضر شامل تمامی ابعاد مختلف ورزش در سازمان های ورزشی، صنایع ورزشی، باشگاه های ورزشی، تحقیقات ورزشی و فعالیت های ورزشی حرفه ای، قهرمانی، تربیتی و همگانی است. برخی مسائل جامع در زمینه حاکمیت فکری سبب گردیده است تا تحقیق حاضر با هدف ارائه الگوی توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران طراحی و اجرا گردد. لذا پرسش های تحقیق به قرار زیرند:

۱. شرایط علی موثر بر توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چیست؟
۲. شرایط زمینه ای موثر بر توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چیست؟
۳. شرایط مداخله گر موثر بر توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چیست؟
۴. راهبردهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چیست؟
۵. پیامدهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چیست؟
۶. مدل توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران چگونه است؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده ها آمیخته بود که به صورت کیفی و کمی انجام گردید. در مرحله اول، برای ساخت مدل از روش کیفی تحلیل محتوا و برای آزمون مدل از روش کمی توصیفی- تحلیلی و از نوع همبستگی مبتنی بر مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. روش تحقیق آمیخته از نوع اکتشافی متوالی بود؛ یعنی ابتدا به صورت کیفی و سپس به صورت کمی به اجرا درآمد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش مصاحبه بود که بعد از رسیدن به اشباع نظری، ۲۳ گویه در قالب پنج مؤلفه کلی شرایط علی، شرایط زمینه ای، شرایط مداخله گر، پدیده اصلی و اقدامات و پیامدها به صورت پنج گزینه ای لیکرت (خیلی زیاد، ۵ امتیاز تا خیلی کم، ۱ امتیاز) تدوین شد. جامعه آماری بخش کیفی این پژوهش را نخبگان و صاحب نظران حوزه مدیریت ورزشی کشور و حوزه مالکیت فکری تشکیل می دادند. جهت تعیین نمونه پژوهش در این بخش، از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده گردید؛ بدین صورت که ضمن مشخص نمودن برخی خبرگان اولیه در این زمینه، از آنها در شناسایی سایر خبرگان استفاده گردید. در نهایت پس از اتمام روش نمونه گیری گلوله برفی و رسیدن به اشباع نظری، تعداد ۱۲ نفر به عنوان نمونه تحقیق مشخص گردیدند. جامعه آماری در بخش کمی شامل پژوهشگران و مخترعان حوزه ورزش بودند که پس از بررسی های انجام شده، تعداد این افراد حدود ۲۱۰ نفر مشخص گردید. با استفاده از جدول حجم نمونه مورگان، تعداد ۱۳۲ نفر به عنوان نمونه آماری

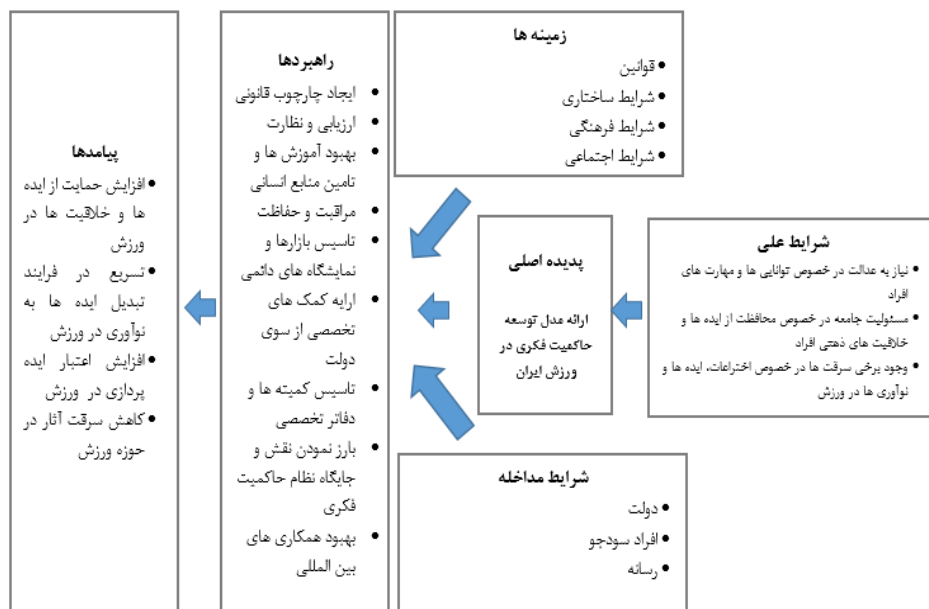
انتخاب شدند. پس از پخش و جمع‌آوری پرسشنامه‌ها در نهایت تعداد ۱۲۱ پرسشنامه تکمیل شده، جمع‌آوری گردید. روش نمونه‌گیری در بخش کمی به صورت در دسترس بود. داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرایند کدگذاری، تحلیل شد. مراحل تحلیل داده‌ها از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری (مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین) و کدگذاری گزینشی (انتخاب یک مقوله محوری به عنوان مقوله اصلی و مشخص کردن ارتباط بین هر یک از مقوله‌های محوری) انجام و با عرضه پارادایم منطقی یا تصویر تجسمی از نظریه در حال تکوین پایان یافت. در بخش کمی از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی از میانگین و درصد فراوانی برای بیان ویژگی‌های دموگرافیک پژوهش و از شاخص‌های کشیدگی و چولگی جهت بررسی توزیع داده‌ها (طبیعی و یا غیر طبیعی بودن) و در بررسی و پاسخ به سؤالات پژوهش و رسم و تدوین مدل اندازه‌گیری و مدل‌سازی از نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۰ و Smart PLS نسخه ۲ استفاده شد.

۱۳۶ پایایی و روایی در PLS در دو بخش سنجیده می‌شود: الف) بخش مربوط به مدل‌های اندازه‌گیری؛ ب) بخش مربوط به مدل‌سازی. پایایی مدل اندازه‌گیری به وسیله ضرایب بارهای عاملی، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بارعاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با آن سازه محاسبه می‌شود که اگر این مقدار برابر و یا بیشتر از مقدار ۰/۷ (سخت‌گیرانه‌ترین حالت به دلیل استفاده از نرم‌افزار واریانس محور) شود، موید این مطلب است که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر و پایایی در مورد آن سازه قابل قبول است. همچنین در مورد روایی محتوایی نیز با استفاده از فرم‌های روایی سنجی CVI و CVR روایی مورد تأیید قرار گرفت. مقدار CVR با توجه به تعداد اساتید (۱۲ نفر)، ۰/۸۹ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۹۳ به دست آمد. بنابراین روایی محتوی ابزار هم مورد تأیید قرار گرفت. روایی واگرا و همگرا که مربوط به معادلات ساختاری است، نیز سنجیده شد. همچنین در بخش تحلیل مصاحبه‌ها از نرم‌افزار Max QDA نسخه ۱۲ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از ۱۲ مصاحبه تا حد اشباع نظری ادامه یافت و از طریق تحلیل محتوا و کدگذاری باز، محوری و انتخابی در قالب پنج مؤلفه کلی شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده اصلی و اقدامات و پیامدها انجام شد. نتایج بخش کیفی پژوهش - بر اساس مدل پارادایمی اشتراوس و کوربین - نشان داد که پدیده اصلی، توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران می‌باشد. موجبات علی، شامل نیاز به عدالت در زمینه توانایی‌ها و مهارت‌های افراد، مسئولیت جامعه در زمینه محافظت از ایده‌ها و خلاقیت‌های ذهنی افراد و وجود برخی سرقت‌ها در زمینه اختراعات، ایده‌ها و نوآوری‌ها در ورزش دارد. شرایط زمینه‌ای نیز در دو سطح خرد و کلان به ترتیب شامل قوانین، شرایط ساختاری، شرایط فرهنگی و شرایط اجتماعی می‌باشد. شرایط مداخله‌گر نیز شامل دولت، افراد سودجو و رسانه می‌باشد. راهبردها (اقدامات)، توسعه حاکمیت فکری در ورزش شامل ایجاد چارچوب قانونی در زمینه حاکمیت فکری در ورزش، ارزیابی و نظارت بر حوزه حاکمیت فکری، بهبود آموزش‌ها و تامین منابع انسانی در زمینه حاکمیت فکری در ورزش، مراقبت و حفاظت از آثار و نوآوری‌های تولید شده در ورزش، تاسیس بازارها و نمایشگاه‌های دائمی جهت ارائه و فروش حق امتیاز اختراعات به ثبت رسیده در ورزش، ارائه کمک‌های

تخصصی از سوی دولت به مخترعان و نوآوران عرصه ورزش، تاسیس کمیته ها و دفاتر تخصصی جهت بهبود حاکمیت فکری در ورزش، بارز نمودن نقش و جایگاه نظام حاکمیت فکری در ورزش ایران و بهبود همکاری های بین المللی مخترعان و نوآوران می باشد. پیامدها هم شامل افزایش حمایت از ایده ها و خلاقیت ها در ورزش توسط بخش دولتی و خصوصی، تسریع در فرایند تبدیل ایده ها به محصول و خدمات در ورزش، افزایش اعتبار ایده پردازی در ورزش و کاهش سرقت آثار در حوزه ورزش بود. مدل پارادایمی توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران در شکل ۱ نشان داده شده است:



شکل ۱: مدل پارادایمی توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران

با توجه به مدل پارادایمی تحقیق مشخص گردید که عدالت محوری، مسئولیت جامعه در برابر ایده های افراد و همچنین وجود برخی سرقت ها از جمله مسائل علی است که لزوم گسترش حاکمیت فکری در ورزش را کاملاً مشخص می نماید. از طرفی مدل پارادایمی تحقیق مشخص نمود که در مسیر توسعه حاکمیت فکری در ورزش دولت، افراد سودجو و همچنین رسانه ها نقش مداخله گری را ایفا می نمایند. این در حالی است که نتایج تحقیق مشخص نمود که توسعه حاکمیت فکری در ورزش باید در بستر قوانین و شرایط ساختاری، فرهنگی و اجتماعی حرکت نماید. مدل پارادایمی تحقیق حاضر نشان داد که توسعه حاکمیت فکری در ورزش می تواند به بهبود حمایت از خلاقیت ها، تسریع در فرایند، افزایش اعتبار ایده پردازی و کاهش سرقت ایده ها و خلاقیت ها در ورزش منجر گردد.

در ادامه از طریق نرم‌افزار SPSS به تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه‌های پژوهش پرداخته شد. سپس با تحلیل نتایج حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار Smart PLS به سؤال‌های پژوهش پاسخ داده شد. یافته‌های توصیفی مربوط به نمونه‌های آماری تحقیق حاضر در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: یافته‌های توصیفی تحقیق

درصد	فراوانی	گروه‌ها	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی		
۶۶/۶	۸	مرد	جنسیت	بخش کیفی تحقیق	
۳۳/۴	۴	زن			
۷۵	۹	دکتری	سطح تحصیلات		
۲۵	۳	کارشناسی ارشد			
۶۵/۲	۷۹	مرد	جنسیت		بخش کمی تحقیق
۳۴/۷	۴۲	زن			
۳۱/۵	۳۸	دکتری	سطح تحصیلات		
۴۴/۶	۵۴	کارشناسی ارشد			
۲۳/۹	۲۹	کارشناسی و پایین‌تر	رده سنی		
۶/۶	۸	زیر ۳۰ سال			
۵۲/۱	۶۳	۳۰-۴۰ سال			
۳۱/۴	۳۸	۴۰-۵۰ سال			
۹/۹	۱۲	بالای ۵۰ سال			

نتایج توصیفی تحقیق نشان داد که نمونه‌های بخش کیفی تحقیق شامل ۶۶/۶ درصد مرد و ۳۳/۴ درصد زن بودند. همچنین از این میان نمونه‌های تحقیق افراد دارای مدرک تحصیلی دکتری با ۷۵ درصد بیشترین تعداد را داشتند. نتایج توصیفی مربوط به وضعیت جنسیت نمونه تحقیق در بخش کمی نشان داد که ۶۵/۲ درصد از افراد شرکت‌کننده در تحقیق را مردان و ۳۴/۷ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. نتایج یافته‌های توصیفی تحقیق نیز نشان داد که از میان نمونه‌های تحقیق، افراد دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد با ۴۴/۶ درصد بیشترین تعداد را دارا می‌باشند. نتایج توصیفی تحقیق همچنین نشان داد که در میان گروه‌های سنی، گروه سنی ۳۰-۴۰ سال با ۵۲/۱ درصد بیشترین تعداد را دارا می‌باشند.

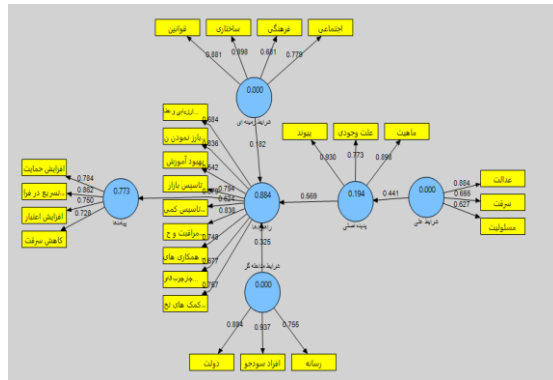
بنابراین هیر^۱ و همکاران (۲۰۱۲)، برای تعیین نرمالیت داده‌ها از چولگی و کشیدگی استفاده شد. نتایج نشان داد که چولگی بین ۳ و ۳- و کشیدگی بین ۵ و ۵- قرار دارد. برای بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری، سه معیار پایایی، روایی همگرا و روایی واگرا استفاده می‌شود و پایایی خود از سه طریق بررسی ضرایب بارهای عاملی، ضرایب آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و پایایی اشتراکی صورت می‌پذیرد. مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی، ۰/۷ می‌باشد.

برای تمامی سوال‌ها، اکثر ضرایب بارهای عاملی سوالات از ۰/۷ بیشتر بود. مقدار مربوط به آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرها در هر پنج متغیر نیز بالاتر از ۰/۷ بود که از پایایی مناسب مدل حکایت دارد. در این تحقیق پایایی متغیرها در حد مطلوب قرار دارد. از آنجا که پایایی تأیید می‌شود می‌توان به بررسی فرضیات توسط معادلات ساختاری پرداخت و نتیجه قابل تعمیم به کل جامعه مورد نظر می‌باشد. معیار دوم در بررسی مدل‌های اندازه‌گیری، روایی همگراست که به بررسی همبستگی هر متغیر با سوالات (شاخص‌ها) خود می‌پردازد. با توجه به روش فورنل و لارکر که مقدار مناسب برای AVE را ۰/۴ به بالا معرفی کرده‌اند، برای تمامی ۵ متغیر، مقدار AVE بیشتر یا مساوی ۰/۴ می‌باشد. روایی واگرا، سومین معیار بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری است که در این پژوهش در هر دو بخش روش اول (سوالات مربوط به هر متغیر نسبت به خود آن متغیر همبستگی بیشتری دارند تا نسبت به متغیرهای دیگر) و دوم (معیار مهم دیگری که با روایی واگرا مشخص می‌گردد، میزان رابطه یک متغیر با سوالاتش در مقایسه رابطه آن متغیر با سایر متغیرهاست؛ به طوری که روایی واگرای قابل قبول یک مدل حاکی از آن است که یک متغیر در مدل تعامل بیشتری با سوالات خود دارد تا با متغیرهای دیگر. روایی واگرا وقتی در سطح قابل قبول است که میزان AVE برای هر متغیر بیشتر از واریانس اشتراکی بین آن متغیر و متغیرهای دیگر در مدل باشد) مورد تأیید قرار گرفت. نتایج مربوط به آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE در جدول ۱ آمده است:

جدول ۱: آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و AVE

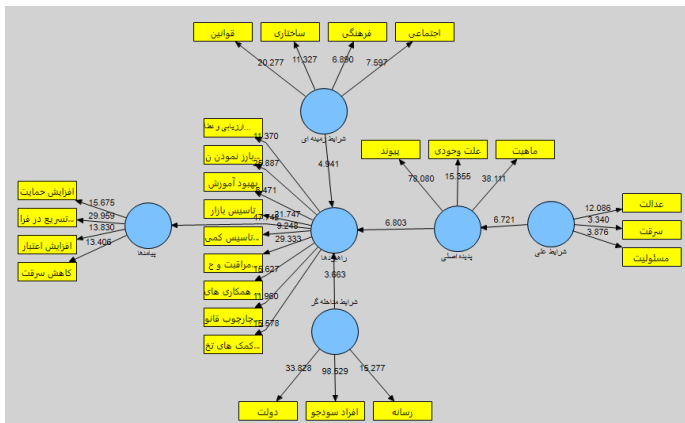
AVE	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	
۰/۴۸۷۴۱۲	۰/۷۴۱۲۵۱	۰/۸۲۱۰۵۱	موجبات علی
۰/۵۰۲۱۸۱	۰/۶۸۵۲۵۴	۰/۸۵۶۳۲۰	شرایط زمینه‌ای
۰/۹۵۳۶۲۱	۰/۶۲۳۶۲۱	۰/۸۱۲۳۶۹	شرایط مداخله‌گر
۰/۵۲۱۸۷۴	۰/۶۳۶۲۵۱	۰/۸۴۵۲۱۰	راهبردها
۰/۵۳۶۲۵۱	۰/۷۰۵۸۱۵	۰/۸۰۲۱۱۴	پیامدها

مطابق با نتایج جدول ۱، مشخص گردید که داده‌های تحقیق جهت انجام روش معادلات ساختاری مناسب می‌باشد. همچنین نتایج این جدول مناسب بودن برازش اولیه مدل تحقیق را نشان می‌دهد. بعد از بررسی برازش مدل‌های اندازه‌گیری نوبت به برازش مدل ساختاری پژوهش می‌رسد. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، بخش مدل ساختاری بر خلاف مدل‌های اندازه‌گیری، به سوالات (متغیرهای آشکار) کاری ندارد و تنها متغیرهای پنهان همراه با روابط میان آنها بررسی می‌گردد. در ادامه، مدل ساختاری پژوهش در شکل ۲ آورده شده است. همچنین شکل ضرایب تی همان مدل در شکل ۳ گزارش شده است:



شکل ۲: مدل ساختاری پژوهش

۱۴۰



شکل ۳: ضرایب تی مدل ساختاری پژوهش

برای بررسی برازش مدل ساختاری پژوهش از چندین معیار استفاده می شود که اولین و اساسی ترین معیار، ضرایب معنی داری t یا همان مقادیر t -values می باشد. در صورتی که مقدار این اعداد از ۰/۹۵ بیشتر شود، نشان از صحت رابطه بین متغیرها و در نتیجه تایید روابط در سطح اطمینان ۱/۹۶ است.

جدول ۲: ضرایب مسیر و ضرایب معنی داری t (مقادیر t -values) روابط

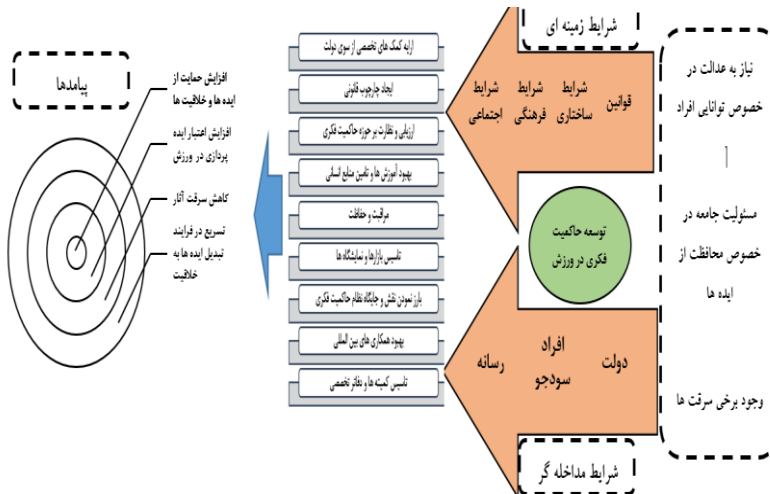
متغیر مستقل	متغیر وابسته	ضرب مسیر	مقدار T-VALUE
موجبات علی	پدیده اصلی	۰/۴۴۱	۶/۷۲۱
پدیده اصلی	راهبردها	۰/۵۶۹	۶/۸۰۳
شرایط زمینه‌ای	راهبردها	۰/۱۸۲	۴/۹۴۱
شرایط مداخله‌گر	راهبردها	۰/۳۲۵	۳/۶۶۳
راهبردها	پیامدها	۰/۸۷۹	۴۷/۷۴۲

با توجه به جدول فوق، مقدار **T-Value** همگی بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد. بنابراین همه روابط حاضر در مدل پژوهش در سطح ۰/۹۹ مورد تأیید قرار گرفت؛ بدین صورت که شرایط علی بر پدیده اصلی تاثیر معناداری به میزان ۰/۴۴۱ دارد. از طرفی نتایج مشخص نمود که در غالب مدل تحقیق، پدیده اصلی (۰/۵۹۶=تاثیر)، شرایط زمینه ای (۰/۱۸۲=تاثیر) و شرایط مداخله گر (۰/۳۲۵=تاثیر) بر راهبردهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش تاثیرگذار می باشد. لذا می توان گفت که در مسیر اجرایی نمود راهبردهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش باید به پدیده اصلی، شرایط زمینه ای و شرایط مداخله گر توجه ویژه داشت، چرا که این مسائل بر روند شکل گیری و اجرای راهبردهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش تاثیر بسزایی دارند.

معیار **Q2** قدرت پیش بینی مدل را مشخص می سازد و در صورتی که مقدار **Q2** در مورد یکی از متغیرهای درون زا سه مقدار ۰/۰۲، ۰/۱۵ و ۰/۳۲ را کسب نماید، به ترتیب نشان از قدرت پیش بینی ضعیف، متوسط و قوی متغیر یا متغیرهای برون زای مربوط به آن را دارد. این معیار برای متغیرهای درون زا بیشتر از ۰/۳۲ می‌باشد که این نشان می دهد که متغیرهای برونزا(مستقل) در پیش بینی متغیرهای وابسته قوی هستند و بار دیگر برازش مناسب مدل ساختاری پژوهش را تا حدودی تایید می نمایند.

برازش مدل کلی

برازش مدل کلی شامل هر دو بخش مدل اندازه گیری و ساختاری می شود و با تایید برازش آن، بررسی برازش در یک مدل کامل می شود. با توجه به سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای **GOF** معرفی شده است و حصول مقادیر بیشتر از ۰/۳۶ برای **GOF**، برازش کلی مدل قوی است. پس از بررسی برازش مدل تحقیق و مشخص نمودن اعتبار مدل، مدل نهایی تحقیق در شکل ۴ به نمایش گذاشته شده است:



شکل ۴: مدل نهایی تحقیق

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف ارائه مدل توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران طراحی گردید. نتایج نشان داد که جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش برخی موجبات علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌ای، پیامدها و راهبردها وجود دارد. بدین صورت که پدیده اصلی، توسعه حاکمیت فکری در ورزش ایران می‌باشد. موجبات علی شامل نیاز به عدالت در زمینه توانایی‌ها و مهارت‌های افراد، مسئولیت جامعه در مورد محافظت از ایده‌ها و خلاقیت‌های ذهنی افراد و وجود برخی سرقت‌ها در زمینه اختراعات، ایده‌ها و نوآوری‌ها در ورزش است. ویوچر و همکاران (۲۰۲۰) مشخص نمودند که لزوم عدالت محوری در جوامع سبب گردیده است تا امروزه لزوم حمایت از اختراعات در جوامع درک گردد. شعوری و نجفی (۱۳۹۶) نیز بیان نمودند که سرقت‌های ادبی موجود در جوامع بین‌المللی سبب گردیده است تا تلاش جهت ایجاد حاکمیت فکری گسترده در سطح جهان صورت پذیرد. بر این اساس می‌توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات ویوچر و همکاران (۲۰۲۰) و شعوری و نجفی (۱۳۹۶) همخوان می‌باشد. در تفسیر این مسئله باید گفت که برخی بی‌قانونی‌ها در ورزش کشور طی فرایند ایده‌پردازی و سرقت‌های انجام گرفته شده سبب گردیده است تا امروزه بیش از هر زمانی دیگر نیاز به ایجاد حاکمیت فکری درک گردد. از طرفی لزوم عدالت محوری سبب گردیده است تا تمامی گروه‌ها و افراد در ورزش این حق را داشته باشند که از ایده و خلاقیت خود به گونه مناسبی مراقبت کنند و لزوم حاکمیت فکری در ورزش بیش از پیش درک شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که شرایط مداخله‌گر موجود در جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش شامل دولت، افراد سودجو و رسانه می‌باشد. وانگ و هوانگ (۲۰۱۱) در تحقیق خود نشان دادند که فرایندهای مدیریتی و ضعف در این فرایندها نقش مهمی در جهت توسعه حاکمیت فکری دارد و به نوعی سبب ایجاد محدودیت برای توسعه حاکمیت فکری می‌گردد. این در حالی است که این مسئله در تحقیق حاضر به عنوان عوامل مداخله‌گر در جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش مشخص نگردیده است. از این رو می‌توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیق وانگ و هوانگ (۲۰۱۱) ناهمخوان می‌باشد. به نظر می‌رسد وجود مشکلات اساسی در جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش در ایران در ارتباط با دولت، افراد سودجو و رسانه‌ها سبب گردیده است تا برخی مسائل از جمله فرایندهای مدیریتی نقش پررنگی در جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش نداشته باشند. به عبارت دیگر، اهمیت و تاثیرگذاری دولت، افراد سودجو و رسانه در این زمینه چندان قوی و مهم بوده است که برخی ضعف‌های مدیریتی در این زمینه به چشم نمی‌آید. از طرفی به نظر می‌رسد عدم نظارت مناسب دولت در این حوزه و همچنین قدرت و نفوذ افراد سودجو در این حوزه سبب گردیده است تا مشکلات عمده‌ای در این مسیر ایجاد گردد. از سوی دیگر، رسانه با توجه به عدم انجام رسالت خود در این حوزه، به نوعی دیگر عامل مداخله‌گر در زمینه حاکمیت فکری در ورزش ایران می‌باشد. نیکیتنکو^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در تحقیق خود دریافتند که دولت به واسطه تاثیرگذاری خود نقش مهمی در مسیر حاکمیت فکری دارد. پان^۲ (۲۰۱۸) نیز نشان داد که رسانه با توجه به گستردگی خود از

1. Nikitenko

2. Pan

تاثیرگذاری عمیقی در جهت حاکمیت فکری برخوردار می باشد. دولت و رسانه در کشور ایران به علت عدم انجام وظایف محوله خود و فقدان برنامه ریزی های جامع جهت بهبود حاکمیت فکری در ورزش نتوانسته اند تا بستر مناسبی را جهت حاکمیت فکری در ورزش ایران فراهم آورند. از طرفی، قدرت و نفوذ افراد سودجو در برخی حوزه ها از جمله ورزش سبب گردیده است تا بسیاری از تلاش های موجود در زمینه حاکمیت فکری در حوزه ورزش دچار مشکلات عمده ای گردد.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که از پیامدهای توسعه حاکمیت فکری در ورزش، افزایش حمایت از ایده ها و خلاقیت ها در ورزش، تسریع در فرایند تبدیل ایده ها به نوآوری در ورزش، افزایش اعتبار ایده پردازی در ورزش و کاهش سرقت آثار در حوزه ورزش می باشد. منطقی و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود مشخص نمودند که مسیر بهبود حاکمیت فکری وابسته به برخی شرایط فرهنگی و مدیریتی می باشد. خانی و نصراللهی (۱۳۹۱) اشاره داشتند که جهت بهبود حاکمیت فکری نیازمند ایجاد مراکز تخصصی و همچنین گسترش نظارت و ارزیابی ها در این زمینه می باشد. پس می توان گفت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات منطقی و همکاران (۱۳۹۲) و خانی و نصراللهی (۱۳۹۱) همخوان است. در تفسیر این مسئله لازم به ذکر است که حاکمیت فکری جهت توسعه نیازمند برخورداری از برنامه ریزی و سازماندهی دقیق است. لذا ایجاد بستر قانونی، فرهنگی، ساختاری و اجتماعی در فضای ورزش کشور می تواند زمینه جهت رشد و گسترش حاکمیت فکری را فراهم نماید. وانگ و هوانگ (۲۰۱۱) مشخص نمودند که حاکمیت فکری نتیجه برنامه ریزی دقیق و منظم در حوزه های قانونی، مدیریتی و فرهنگی می باشد. بدین صورت، جهت توسعه حاکمیت فکری باید اصول و بستر اولیه فراهم باشد. لذا مسائل قانونی، اجتماعی، ساختاری و فرهنگی نقش مهم و اساسی در جهت فراهم آوردن بستر اولیه جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش دارد.

تحقیق حاضر مشخص نمود که توسعه حاکمیت فکری در ورزش سبب بهبود حمایت از خلاقیت ها، تسریع در فرایند، افزایش اعتبار ایده پردازی و در نهایت کاهش سرقت ایده ها و خلاقیت ها در ورزش می گردد. تحقیقات مختلفی به این مسئله اشاره داشته اند. پان (۲۰۱۸) در تحقیق خود مشخص نمود که ارتقای جایگاه نظام حاکمیت فکری نقش مهمی در بهبود و گسترش این نظام دارد. لیو و همکاران (۲۰۰۹) اشاره داشتند که توسعه حاکمیت فکری سبب کاهش سرقت ایده و فکر افراد می گردد. به عبارت دیگر، توسعه حاکمیت فکری سبب بهبود حمایت از نوآوری می گردد. با این توجه می توان چنین اعلام داشت که نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پان (۲۰۱۸) و لیو و همکاران (۲۰۰۹) همخوان می باشد. در تفسیر این مسئله باید گفت که حاکمیت فکری سبب می گردد تا شرایطی بر ورزش حکمفرما شود که خروجی آن ایجاد قوانین شفاف، نظارت های جامع و همچنین استانداردهای دقیقی شود که ارتقای حمایت از خلاقیت در ورزش، تسریع فرایند ایده پردازی، ارتقای اعتبار ایده پردازی و کاهش سرقت ایده و خلاقیت در ورزش را در پی داشته باشد. حاکمیت فکری به مانند یک چتر حمایتی سبب می گردد تا فضای ورزش در حوزه خلاقیت و نوآوری کاملاً تحت کنترل باشد و با سوء استفاده های موجود به صورت کامل برخورد قانونی شود. این مسئله بدون شک می تواند پیامدهای مثبتی بر ورزش کشور و روند ایده پردازی در ورزش کشور داشته باشد.

گسترش حاکمیت فکری در ورزش می تواند ضمن امنیت بخشی به فضای ورزش کشور، دانش فنی و علمی این حوزه را ارتقا دهد. به عبارت دیگر، مسیر بهبود و گسترش منابع انسانی و همچنین شایسته سالاری در ورزش که یکی از نیازهای روز ورزش می باشد، جدا از بهبود حاکمیت فکری نیست. ارتقای حاکمیت فکری سبب می گردد تا بستری ایمن و مطمئن در ورزش جهت ارتقا و پیشرفت فراهم شود و به بهبود وضعیت ورزش بینجامد. تحقیق حاضر مشخص نمود که مسیر بهبود حاکمیت فکری در ورزش نیازمند برخی راهبردها از جمله ایجاد چارچوب قانونی در زمینه حاکمیت فکری در ورزش، ارزیابی و نظارت بر حوزه حاکمیت فکری، بهبود آموزش ها و تامین منابع انسانی در زمینه حاکمیت فکری در ورزش، مراقبت و حفاظت از آثار و نوآوری های تولید شده در ورزش، تاسیس بازارها و نمایشگاه های دائمی جهت ارائه و فروش حق امتیاز اختراعات به ثبت رسیده در ورزش، ارائه کمک های تخصصی از سوی دولت به مخترعان و نوآوران عرصه ورزش، تاسیس کمیته ها و دفاتر تخصصی جهت بهبود حاکمیت فکری در ورزش، بارز نمودن نقش و جایگاه نظام حاکمیت فکری در ورزش ایران و بهبود همکاری های بین المللی مخترعان و نوآوران می باشد.

پیشنهادها

- با توجه به راهبردهای فوق، پیشنهادات عملیاتی جهت توسعه حاکمیت فکری در ورزش ارائه می گردد:
- کمیته های نظارتی در بدنه ورزش جهت بررسی حاکمیت فکری و همچنین ارزیابی فعالیت های انجام شده در این حوزه، مسیر توسعه حاکمیت فکری را دنبال نمایند.
 - در دوره های آموزشی موجود در صنعت، سازمان ها، باشگاه ها و دانشگاه ها، به حاکمیت فکری توجه بیشتر و آموزش های لازم ارائه شود.
 - نمایشگاه های ملی و بین المللی تخصصی در حوزه ورزش جهت ارائه آخرین یافته های علمی، صنعتی و خدماتی افراد صاحب ایده در ورزش به صورت منظم اجرایی گردد.
 - با کاهش زمان و فرایند اداری ثبت و بررسی ایده ها، خلاقیت ها، نوآوری ها و طرح های افراد در جهت کاهش سوء استفاده از این ایده ها اقدام شود.
 - قوانین شفاف در جهت برخورد با متخلفان در حوزه های مربوط به حاکمیت فکری در ورزش ایجاد و اجرایی گردد.
 - مکان هایی مشخص در سطح کشور جهت ایجاد و دائمی نمودن نمایشگاه های تخصصی در زمینه آخرین یافته های حوزه ورزش در نظر گرفته شود.

- Abbas Zadeh, A. Ataei Nejad, M. Ismael Zadeh, M. (2014). **“Role of Intellectual Property in Resistance Economics and Operational Opportunity”**. First National Conference on Management, Innovation and Entrepreneurship in Resistance Economics, Mashhad, Khorasan Branch of Iranian Management. p:118.(Persian)
- Amadi, U. J. (2017). **“Intellectual property rights in sports: A trick or two Nigeria can learn from the global game”**. African Sports Law and Business Bulletin, (1), 14: 152-171
- Das, P. K. (2000). **“Offensive Protection: The Potential Application of Intellectual Property Law to Scripted Sports Plays”**. Ind. LJ, 75, 1073.
- Indradewi, A. A. S. N. (2020). **“Protection of intellectual property rights in international trade”**. International journal of social sciences, 3(1), 13-16.
- Hekmat Nia, M, Khoshnevis, A. (2009). **“Examples of intellectual property rights in the sports industry”**. Islamic law, 6 (23), 127-159. (Persian)
- Griffith, R., Miller, H., & O'Connell, M. (2014). **“Ownership of intellectual property and corporate taxation”**. Journal of Public Economics, 112, 12-23.
- Habib, M., Abbas, J., & Noman, R. (2019). **“Are human capital, intellectual property rights, and research and development expenditures really important for total factor productivity? An empirical analysis”**. International Journal of Social Economics.
- Huang, C. (2017). **“Recent development of the intellectual property rights system in China and challenges ahead”**. Management and Organization Review, 13(1), 39-48.
- Hylton, J. G. (2011). **“The Over-Protection of Intellectual Property Rights in Sport in the United States and Elsewhere”**. Journal of Legal Aspects of Sport, 21(1), 43-73.
- Kalamadi, S. (2012). **“Intellectual Property and the Business of Sports Management”**. Sports Management, 17, 437-442.
- Khani, R. Nasrallahi, Z. (2012). **“Investigating Economic Factors Affecting Intellectual Property Rights: Comparing Selected Developing and Developed Countries”**. Economics and Modeling, 3 (11), 172-145. (Persian)
- Kieff, F. S., Kramer, R. G., & Kunststadt, R. M. (2008). **“It's your turn, but it's my move: Intellectual property protection for sports moves”**. Santa Clara Computer & High Tech. LJ, 25, 765.
- Kukkonen III, C. A. (1998). **Be a Good Sport and Refrain from using my Patented Putt: Intellectual Property Protection for Sports related Movements**. J. Pat. & Trademark Off. Soc'y, 80, 808.
- LIU, C., JING, J. P., & YU, J. (2009). **“Analysis on the definition and composition factor of patent quality in intellectual property rights”**. Information Science, 11.

- LIU, Q., & HU, F. (2006). **“Protection of the Intellectual Property of Sport Tournament and the Television Right”**. Journal of Nanjing Institute of Physical Education (Social Science), 2(16): 21-36
- Lo, C. P. (2016). **“Intellectual property, research intensity, and scale effect”**. Journal of Business Research, 69(6), 2297-2301.
- Manteghi, M. Taghavi Bafghi, M. Shahshahi, M. (2013). **“How to protect intellectual property in collaborative technology transfer projects”**. National Conference on Accounting and Management, Tehran, Center for the Conferences of the Research Institute of Power. (Persian)
- Nikitenko, S. M., Mesyats, M. A., & Protsenko, A. P. (2018). **“Intellectual property as an active resource for sustainable development of the regional economy”**. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science .Vol. 206(1): p. 109-120
- Pan, L. (2018). **Research on Macro Influencing Factors of Energy Intellectual Property in China: Analysis Based on Dynamic Panel Data Model.**
- Parr, R. L. (2018). **Intellectual property: valuation, exploitation, and infringement damages.** John Wiley & Sons.
- Shakouri, S. Pishvae, M. Ghaffari, A. (2015). **“Comparison of Intellectual Property System of Iran with the Top Countries of Innovation America, Germany, England, France”**. International Conference on Modern Research in Management, Economics and Consultation, Istanbul, Iliya Capital Ideas Managers Institute. p:81-85 (Persian)
- Shouri, M. Najafi, A. (2017). **“Investigating the Impact of Developing the Intellectual Property System and Registered Knowledge on Motivation for Innovating Industry”**. Innovation and Creativity in the Humanities, 7 (3), 250-217. (Persian)
- Wang, M. K., & Hwang, K. P. (2011). **“Key factors for the successful evaluation and screening of managers of the intellectual property rights speciality”**. Expert Systems with Applications, 38(9), 10794-10802.
- Wiwchar, M., Walker, D., & Marsh, R. (2020). **“Protecting Your Digital Health Intellectual Property: Fundamentals of Intellectual Property and How It Applies to Software”**. Hardware and Business Processes. In Digital Health Entrepreneurship (pp. 103-118). Springer, Cham.